

فهرست

موسیقی تهران و حومه
 موسیقی ترکهای ایران
 موسیقی ترکمنهای ایران
 موسیقی کردهای ایران
 موسیقی کردهای شمال و شرق ایران (کرماتجها)
 موسیقی لرهای ایران
 موسیقی بختیاری
 موسیقی گیلان ایران
 موسیقی سیستان و بلوچستان
 موسیقی جنوب خراسان و خراسان میانه
 موسیقی مازندران
 موسیقی گلستان

آنان که بودند و ... رفتند
 ادوات موسیقی نواحی ایران
 فهرست ماخذ

مقدمه ۹
 فصل یکم ۱۵
 فصل دوم ۲۳
 فصل سوم ۳۶
 فصل چهارم ۵۵
 فصل پنجم ۷۵
 فصل ششم ۹۹
 فصل هفتم ۱۰۹
 فصل هشتم ۱۲۳
 فصل نهم ۱۳۶
 فصل دهم ۱۴۹
 فصل یازدهم ۱۶۹
 فصل دوازدهم ۱۸۱
 فصل سیزدهم ۲۲۱

۱۹۷ ... ۲۰۷
 ۲۲۱

Shiraz-Beethoven.ir

اگه عاشق نیم آهم چه چیه؟
اگه هم، گوش و کلام چه چیه؟
می کشی خنجر و مهلی و مشی
نمی دانی که گناهم چه چیه؟

از ترانه‌های ملا سحری تهرانی

سبقتی تهران به دلیل مسائل مختلف تاریخی دینی بیشتر از گونه آوازی سود می‌برد و اثر تحولات این ناحیه پس از حکومت افشاریان دچار تغییرات فراوان شده است. گونه‌ای که موسیقی درباری توسط گروه‌های خاص در آن شکل یافته و پیش رفته، تا آنکه وضع اولین تئوریهای هفت دستگاهی کردن موسیقی ایران را به یک یهودی به نام «ابا مردوخ» نسبت می‌دهند و گفته می‌شود که دست‌نوشته‌های او که در عهد قاجاریه تهیه شده در عهد پهلوی دوم تعریف و تفسیر علمی تری یافته و متحول می‌شود، در عین حال که ابهاماتی نیز در این مسئله وجود دارد.

از بازمانده‌های موسیقی خاص تهران دو نوع موسیقی، گوش نوازتر بوده که تا حدودی مان اختصاصات بازمانده ولی سیر اضمحلالی را به سرعت طی می‌کند:

۱. آوازها و ترانه‌های کار و شبانی

۲. ترانه‌های کوچه‌باغی (غزل خوانی)

ی سیاه در زبان فارسی است و چه معانی گوناگونی از جمله چشم، رودخانه، بیشه رودخانه، خم و خمیده دارد. اگر پاره دوم واژه سیاوچه‌مانه را چه‌مان به اضافه «ه» در نظر بگیریم، خم شدن معنا می‌دهد. بنابراین عنوان این آواز را می‌توان چشم یا رودخانه سیاه معنی کرد. رابطه عنوان سیاوچه‌مانه با آواز به درستی معلوم نیست، چون متن آن معمولاً وصف طبیعت و غم و هجران و فراق است. او در ادامه مطلب از ارائه بخشی از متن گفت‌وگوش با خوانندگان شهیر این آوازا چنین آورده که: «... سیاوچه‌مانه را بتوان به معنای خم شدن یا چمباتمه زدن به دلیل سوگواری همچنان که مراسم چه‌مه‌ر چنین مفهومی را دارد».

تاریخ که مراجعه کنیم شمس قیس رازی در کتاب المعجم فی معاییر اشعار العجم، شده در اوایل سده هفتم هجری ضمن شرح مربوط به مسدس محذوف از انواع بحر می‌گوید خوش‌ترین اوزان فهلویات است که ملحونات آن را او را منان خوانند، نیم که اورامان هم جوار کردستان و از توابع کرمانشاه است و به استناد گفته‌های قیس می‌توان ترانه‌های سیاوچه‌مانه را دارای اصالت کهن و ریشه پارسی دانست. نام که اورامن (سیاوچه‌مانه) در موسیقی کردی با اشعاری ده‌هجایی معمولاً اجرا و دارای متر آزاد است.

ها با بحور ده‌هجایی و تمی غمگین و متر آزاد اجرا می‌شوند. مقام زیبایی در موسیقی که سوگ غریبی و عزاداری به شیوه‌ای بسیار ملیح و متین به گوش شنونده می‌رسد بر گویشهای متفاوت در زبان کردی نامهایی چون هوره جافی، هوره غریبی، هوره لوره و مور یافته است. اعتقاد مردم بر آن است که هوره همان ستایش اهورامزدا و کردان که پیرو آئین زرتشتی بوده‌اند به هنگام پیوند با اهورامزدا شروع به خواندن دادند و اکنون نیز به همان شیوه کهن در میان دراویش اهل حق و پیروان کیش ایزدی می‌شود. مناطق گوران، سنجابی، قلخانی و کلهر کرمانشاه حافظ مور و هوره هستند. ملی مردان خواننده مشهور کرد نیز بر این عقیده است که هوره از آوازا و آهنگهای مور اهورامزدا بوده است که در ستایش او خوانده می‌شده. عثمان شاربازیری می‌داند: بعید نیست هوره، اهورا، هاوار (فریاد) از یک منبع باشد و این کلمه در زبانهای

بختیاری را به شکل زیر تقسیم بندی نمود:

موسیقی آئینهای سور

موسیقی آئینهای سوگ

موسیقی کار و تلاش

موسیقی کوچ

موسیقی شبانی

ماشقانه‌ها

آوازه‌های حکمت‌آمیز و پندآموز

موسیقی رزم و حماسه

موسیقی نقل و روایت

شکار

موسیقی آئینهای باورمدارانه قومی

موسیقی برزگری

این شاخه‌ها دارای مضامینی هستند که مسائل قومی و حوادث ایل را در گذشته دارد و بیشتر به صورت آوازه‌ایی با متر آزاد اجرا می‌شوند. نسبت موسیقی دارای خص (ریتمیک) با آوازا پنجاه به پنجاه است.

گوشه‌ها و شیوه در موسیقی بختیاری با نوع گویشها مشخص می‌گردد و تحریرهای بسته به مکان زندگی کوهی یا دشتی و دامنه‌ای تغییرات جزئی دارند ولی از صدا کم نمی‌شود. به عنوان مثال: شلیل باغ ملک، شلیل رامهرمز که با گویش خوانده می‌شود اما شلیل شوشتر با لهجه شوشتری خوانده می‌شود.

در بختیاری تا ابتدای وقوع انقلاب اسلامی یکی از مهم‌ترین کستهای بسته قومی موسیقی کشور به شمار می‌آمد که تنها در درون خود ازدواج می‌کردند و حتی خانواده بختیاری از دختر دادن به آنان خودداری می‌کردند و بر سر همین مسئله ای آهنگین زیبایی در موسیقی بختیاری پدید آمده که حکایت عشقهای بی‌سرانجام شوش فرجام است.

تأثیر تو شماها در بختیاری حکایت سده‌ها و هزاره‌هاست به همین سبب تا

Shiraz-Beethoven.ir

Shiraz-Beethoven.ir

هشن از تألیفات دینی دورهٔ ساسانی آمده است که: مازندران مرکز سکونت دیوهای است و برداشتهای کاوشگرانهٔ باستان‌شناسی معلوم نموده است که این منطقه، محل ت نژادی از انسان نئاندرتال بوده که در سلحشوری و نیروی بدنی حیطةٔ قدرت برای خود ایجاد نموده بودند و بدان سبب که آریاییها از قسمت خراسان به طرف آنها هجوم می‌بردند و با مقاومت مزینها روبه‌رو می‌شدند، آنها را نکوهش کرده ر می‌دانستند. دورن، دانشمند روسی، در کتاب «کاسپانی» می‌نویسد: علت اینکه مردم مازندران را، دیو تصور نموده و نوشته‌اند، ظاهراً باید این باشد که اهالی آن اغلب پوستین‌پوش بوده‌اند.^۱ تپورها و آماردها دو قوم کهن مازندران‌اند. این در تسخیر شهر سارد بزرگ‌ترین عامل پیروزی ارتش کورش بوده‌اند و آماردها ر اسکندر مقدونی چنان مقاومت جانانه‌ای می‌کنند که او پس از تسلط، آنها را به خوار در مشرق ورامین کنونی تبعید می‌کند و کوچ می‌دهد و تپورها را جایگزین د و به دلیل سکونت این قوم سرزمین امروزمین مازندران، تپورستان و طبرستان رانده می‌شده. بعد از آنکه مازیار ابن قارن دیوار بزرگ «ماز» را در این ناحیه د دیالمه پدید می‌آورد که به آن کل‌بست (دیوار کلان) هم می‌گفتند. هر آنچه که س این دیوار قرار می‌گیرد، اندرون خوانده می‌شود و با دیوار ماز ترکیب شده «رون» نامیده می‌شده که بعدها به مازندران تبدیل شده به معنای جایی که مازیار و